



حکمت اسلامی در يك مجموعه ژاپنی

نصرالله پورجوادی

تعداد قابل ملاحظه‌ای از آثار کلاسیک عربی و فارسی یا گزیده‌ای از آنها را ترجمه کردند و تحقیقاتی هم دربارهٔ این آثار انجام دادند. شاهنامه و خمسۀ نظامی و گلستان و مثنوی و فیه‌مافیه و بعضی از آثار ملاصدرا و فلاسفۀ دیگر هم اکنون به زبان ژاپنی موجود است. حتی بعضی از آثار عربی را هم ژاپنیها تصحیح کرده‌اند یا در تصحیح آنها دست داشته‌اند. يك نمونهٔ آن بخشی از منظومۀ حکمت حاجی سبزواری است که پروفیسور ایزوتسو و دکتر مهدی محقق تصحیح کرده‌اند و در حدّ خود اثری است بسیار ارزنده.

متأسفانه ناآشنایی ما به زبان ژاپنی اجازه نمی‌دهد که دربارهٔ همهٔ کارهایی که محققان ژاپنی در سالهای اخیر دربارهٔ ادبیات و فلسفه و علوم اسلامی و ایرانی انجام داده‌اند بتفصیل سخن گوئیم. (امیدواریم که یکی از محققان ژاپنی در این خصوص مقاله یا گزارشی تهیه کند.) اطلاعات ما همه دست دوم است. اما وجود گروههای آموزشی زبانهای عربی و فارسی و اسلام‌شناسی در دانشگاههای ژاپن و کتابخانه‌های غنی ایشان (فهرست کتابهای اسلامی و فارسی آنها به چاپ رسیده است) و همچنین برگزاری کنفرانس جهانی شرق‌شناسان در توکیو در سال ۱۹۸۲ و نیز آثاری که به زبانهای اروپایی (بخصوص انگلیسی) نوشته می‌شود تحرك ژاپن را در این زمینه‌ها بخوبی نشان می‌دهد.

حدود سه سال پیش شرکت انتشاراتی ایوانامی شوتن (Iwanami Shoten) در توکیو درصدد برآمد که يك مجموعهٔ شانزده

اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی رشته‌ای است که محققان ژاپنی درسی چهل سال اخیر اهتمام خاصی در حق آن مبذول داشته‌اند. به نظر می‌رسد که ژاپنیها در مطالعات خود دربارهٔ تفکر اسلامی و فرهنگ کشورهای اسلامی دو مرحله را طی کرده‌اند، یکی مرحلهٔ شناخت با واسطه و دیگر مرحلهٔ شناخت بی‌واسطه. در مرحلهٔ اول، محققان ژاپنی سعی کردند که تفکر اسلامی و فرهنگ کشورهای مسلمان را از راه آثاری که به زبانهای دیگر (بخصوص زبانهای اروپایی) نوشته شده بود به ژاپنیها معرفی کنند، همان کاری که ما در سالهای اخیر در مورد ادیان و ادبیات و فرهنگ کشورهای آسیای شرقی، از جمله خود ژاپن، انجام داده‌ایم. قرآن مجید را ژاپنیها ابتدا از زبانهای اروپایی به ژاپنی ترجمه کردند. دربارهٔ علوم و معارف اسلامی نیز ژاپنیها در این مرحله از ترجمه‌ها و مطالعاتی که دیگران کرده بودند استفاده نمودند. دربارهٔ زبان و ادبیات فارسی هم ابتدا از طریق هندوستان و زبان اردو و زبانهای اروپایی وارد تحقیق شدند. اما اینان از جنگ دوم جهانی به بعد سعی کردند مستقیماً به زبانهای اصلی، عربی و سپس فارسی، روی آورند. همان کاری که در اوایل قرن بیستم با زبانهای کلاسیک اروپایی (یونانی و لاتین) و زبانهای زنده از انگلیسی و فرانسه و آلمانی گرفته تا روسی و اسپانیایی و ایتالیایی کرده بودند. در این سی چهل سال، کارهایی که ژاپنیها دربارهٔ فلسفه و حکمت اسلامی و علوم و ادبیات و به‌طور کلی معارف اسلام و ایران انجام داده‌اند کاملاً چشمگیر بوده است. ژاپنیها متن کامل

۳. «حکمت اشراق سهروردی» به قلم کریستین ژامبه؛
 ۴. «مابعدالطبیعه عشق از نظر احمد غزالی» به قلم نصرالله پورجوادی؛

● باب سوم: مدار اصلی فلسفه اسلامی (یا مسائل فلسفه اسلامی) که خود شامل سه فصل است.

۱. «تهافت الفلاسفه و تهافت التهافت» به قلم توشیهیکو ایزوتسو؛

۲. «وجود و ماهیت» به قلم سید حسین نصر؛

۳. «جان شناسی و بحث المعرفه» به قلم حاجی مه ای گاراشی.

فصول و بخشهای این کتاب را تماماً نقل کردیم تا بتوانیم از راه مقایسه آن با آثار مشابه به خصوصیات این اثر تا حدودی پی ببریم. این اثر، چنانکه ملاحظه می شود، کاملاً جنبه فلسفی (به معنای عام لفظ) دارد و دیدگاه اصلی طراح و ناظر آن آقای پروفیسور ایزوتسو نیز فلسفی است، البته نه مشایی. فلسفه مشایی در این اثر تحت عنوان «جنبه‌های مدرسی تفکر اسلامی» آمده است و ظاهراً در این فصل از فلسفه فارابی و ابن سینا سخن گفته شده است. حکمت اشراق نیز تحت عنوان خاص خود شرح داده شده است. تصوف و عرفان از جنبه‌های گوناگون مورد بحث قرار گرفته است. حتی حقوق (فقه) و کلام و تاریخ هم باز از دیدگاه فلسفی مورد مطالعه واقع شده است.

این اثر، هرچند که نوعی تاریخ فلسفه است، با کتابهای دیگری که در این موضوع نوشته شده است تا حدودی فرق دارد. در تاریخهای فلسفه اسلامی معمولاً مکاتب فلسفی و فیلسوفان به ترتیب تاریخی معرفی می شوند. مثلاً از کندی شروع می کنند و با فارابی و ابن سینا ادامه می دهند و به ابن رشد یا ابن خلدون ختم می کنند. بعضی از مورخان و محققان (مانند کربن و ماجد فخری و میان محمد شریف) اخیراً سعی کرده اند حکمت اشراق و حکمت متعالیه ملاصدرا را هم به این فهرست اضافه کنند، ولی باز سیر تاریخی به همان منوال قبلی دنبال شده است. اما، در این اثر، ما با چنین ترتیبی مواجه نیستیم و مکاتب فکری در اینجا در طول هم معرفی نشده اند، بلکه در عرض هم آمده اند و این از لحاظ تاریخ تفکر موضوع مهمی است. تاریخهایی که معمولاً درباره فلسفه اسلامی نوشته شده است اساساً جنبه هگلی دارند. تاریخ فلسفه اروپایی به همین صورت است. گویی تفکر يك پدیدار واحدی است که در طول تاریخ در يك خط پیوسته سیر کرده است. محققانی هم که دست به نوشتن تاریخ تفکر فلسفی در اسلام زده اند تحت تأثیر همین نگرش بوده اند. اما، در این کتاب، تاریخ تفکر در اسلام به صورت طولی عرضه نشده است. مکاتب مختلف در عرض هم پدید می آیند. فلسفه مدرسی (اسکولاستیک) که

جلدی درباره تفکر فلسفی و عرفانی در میان ملل آسیایی تحت عنوان «میراث تفکر و حکمت در شرق» (Heritages of Wisdom and Thought in the East) تهیه و منتشر کند. این مجموعه همه مکاتب شرقی را در بر می گیرد و دو جلد آن نیز (جلد سوم و چهارم) به اسلام اختصاص دارد. این دو مجلد که در سال ۱۹۸۸ به چاپ رسیده است مشتمل بر سه بخش است:

□ بخش اول: يك فصل است به نام «تاریخ تفکر اسلامی» به قلم کوجیر و ناکامورا.

□ بخش دوم: «سیر تکوینی تفکر اسلامی» که خود مشتمل بر هشت فصل است از این قرار:

۱. «منشأ تفکر اسلامی» به قلم شینیا ماکینو؛
 ۲. «فقه اسلامی» به قلم کوجیر و ناکامورا؛
 ۳. «کلام اسلامی»، «از معتزله تا اشعری» به قلم توشیو-کورودا و «فلسفی شدن کلام» به قلم آکیو ماتسوموتو؛
 ۴. «تصوف و عرفان» به قلم هرمان لندلت؛
 ۵. «جنبه مدرسی تفکر اسلامی» به قلم آکیو ماتسوموتو؛
 ۶. «فلسفه تاریخ» به قلم محسن مهدی؛
 ۷. «تفکر سیاسی و اخلاق» به قلم محمد آرکون (ارغون)؛
 ۸. «فلسفه طبیعیات» به قلم شونتارو ایتو و هیتوشی ایگاراشی.
- این فهرست فصول مجلد سوم است که ما در اینجا از روی طرح اولیه آن تهیه کرده ایم و نمی دانیم که در ضمن اجرای آن تغییراتی به آن داده شده است یا نه.
- و اما مجلد چهارم مجموعه:

□ بخش سوم: «جنبه‌های خاص در تفکر اسلامی» که خود شامل سه باب است:

● باب اول: شامل يك فصل: «تئوری زبان» (درباره کلام وحی) به قلم توشیهیکو ایزوتسو؛

● باب دوم به نام «تصوف» که خود از چهار فصل به شرح زیر تشکیل شده است:

۱. تصوف کلاسیک (افکار عرفانی و رموز آن) به قلم آناماری شیمیل؛
۲. «وحدت وجود ابن عربی» به قلم ویلیام چیتیک؛

نشده است. عنوان اثر تفکر اسلامی است و در همه فصول و بخشها نیز به صفت اسلامی تفکر اشاره شده است، و در هیچ جا نه از عربیت سخن گفته شده است نه از ایرانی و غیره. همین بی نظری موجب شده است که ایزوتسو در این طرح سهم متفکران ایرانی را چنانکه شایسته است ادا نماید. حکمت اشراق سهروردی و بخصوص حکمت ذوقی و آنسی احمد غزالی هر يك فصل جداگانه‌ای به خود اختصاص داده‌اند. در مورد تفکر احمد غزالی که تألیف آن به عهده نگارنده بوده است لازم است در اینجا مطلبی را متذکر شوم.

این مقاله سراسر درباره سوانح احمد غزالی است و این اولین بار است که در مجموعه‌ای که به تاریخ تفکر فلسفی اختصاص داده شده از احمد غزالی و تفکر او به عنوان يك موضوع مستقل یاد شده است. سوانح غزالی، چنانکه می‌دانیم، به فارسی است و مباحثی که در این اثر آمده است همه درباره عشق است. اما عشق نزد احمد غزالی کاملاً جنبه متافیزیکی دارد و به همین دلیل هم عنوان فصل را مطابق پیشنهاد آقای ایزوتسو «متافیزیک عشق» نهاده‌ام. این مابعدالطبیعه اساس شعر و ادبیات عاشقانه-صوفیانه زبان فارسی است و، در واقع، اگر بخواهیم از يك مکتب فکری به عنوان تفکر ایرانی یاد کنیم اصول آن همان مطالبی است که احمد غزالی در این اثر بیان کرده است. این تشخیص را خود پروفیسور ایزوتسو داده است و به نظر من تشخیصی است کاملاً درست.

ایزوتسو، در این اثر، تفکر اسلامی را مقید به اقوام و ملیتهای مختلف (عرب و فارس) نکرده است و لذا تفکر احمد غزالی و همچنین حکمت اشراق بدون ذکر نام فارس و ایران آمده است. ولی در آثاری که در آنها تفکر فلسفی با نام اقوام و کشورها آمده است، مانند دایرة المعارف فلسفه پل ادواردز (به زبان انگلیسی)، آراء احمد غزالی و شیخ اشراق می‌تواند به عنوان فلسفه ایرانی مطرح شود. پل ادواردز در دایرة المعارف خود که معتبرترین دایرة المعارف فلسفه است، فلسفه را به کشورها، مثلاً فلسفه انگلیسی، آلمانی، آمریکایی، لهستانی، ایتالیایی، چینی، هندی، ژاپنی، روسی و غیره تقسیم کرده است ولی مدخلی برای فلسفه ایران نیاورده است. ایران محققاً یکی از تمدنهایی است که چه در دوره پیش از اسلام و چه پس از اسلام، دارای تفکر فلسفی بوده است. فلسفه ایران در دوره اسلامی سراسر اسلامی است، ولی در عین حال ایرانیان در نتیجه نسبت خاصی که با کلام الله مجید برقرار کردند تفکر خاصی را بنیان نهادند که در عین اسلامی بودن جنبه «غیر عربی» داشت. اصول همین تفکر را من سعی کرده‌ام با استفاده از سوانح شرح دهم. ایزوتسو مطابق نگرش صحیح خود این تفکر را به عنوان جلوه‌ای از تفکر فلسفی در اسلام آورده

همان فلسفه مشایی است، یکی از مکاتب فکری بوده است و، در عرض همین مکتب فلسفی، در اسلام مکاتب فکری دیگری هم پدید آمده‌اند که اهمیت آنها حتی به مراتب بیش از فلسفه مشایی بوده است. در عرض فلسفه مشایی، کلام و تصوف و عرفان بوده است. مثلاً در همان زمان که ابن رشد مابعدالطبیعه ارسطو و سایر آثار این فیلسوف مشایی را شرح می‌کرد، شیخ اشراق حکمت-الاشراق را می‌نوشت و امام فخر رازی تفکر کلامی خود را دنبال می‌کرد و این عربی نیز آثار عرفانی خود را تدوین می‌کرد. بنابراین، معرفی مکاتب فکری در عالم اسلامی در عرض یکدیگر دیدگاهی است که با واقعیت تاریخی در عالم اسلام بیشتر مطابقت دارد تا کاری که مورخان فلسفه سابقاً انجام داده‌اند.

نکته دیگر این است که، در این اثر، فلسفه به معنای خاص در نظر گرفته نشده است. در عالم اسلامی مراد از فلسفه همان مکتب مشایی است. ولی پروفیسور ایزوتسو در اینجا فلسفه را به معنای عام، یعنی هر گونه تفکر نظری و مابعدطبیعی، در نظر گرفته است. به همین دلیل هم، از لفظ فلسفه کمتر استفاده کرده و در عنوان اثر الفاظ «حکمت» و «تفکر» را به کار برده است. از این رو، تاریخ تفکر فلسفی نه تنها فلسفه مشایی، بلکه حکمت اشراق و تفکر کلامی، و اصول فقه و عرفان و تصوف نظری و فلسفه زبان را هم در بر گرفته است. این نوع نگرش را ما تا حدودی در کتاب میان محمد شریف (که سه جلد آن تاکنون به نام تاریخ فلسفه در اسلام ترجمه شده و از طرف مرکز نشر دانشگاهی منتشر شده است) ملاحظه می‌کنیم. اما طرح ایزوتسو با طرح شریف فرق دارد. طرح شریف بسیار گسترده و تا حدودی «بی‌دروپیکر» است. شریف در کتاب خود تاریخ ادبیات و علوم اجتماعی و طبیعی (فیزیک و شیمی) را نیز گنجانده است، و در واقع از محدوده تفکر فلسفی خارج شده است. ولی طرح ایزوتسو در عین جامعیت مانع هم هست. در همه مسائل و موضوعات، مدار بحث فلسفه و تفکر فلسفی است؛ و اگر به حقوق یا علم تاریخ یا شعر و ادبیات پرداخته است، فلسفه آنها را مورد بحث قرار داده است.

نکته دیگر این است که پروفیسور ایزوتسو در این اثر گرفتار اشتباهی که مستشرقان و محققان غرب در قرن اخیر مرتکب شده‌اند و تفکر اسلامی را به عنوان تفکر یا فلسفه عرب خوانده‌اند

معرفی چند کتاب و نشریه خارجی



میسوینرهای سویسی در ایران

WALDBURGER, Adreas. *Missionare und Moslems. Die Basler Mission in Persien, 1833-1837*, Basel, Basileia Verlag, s.d., 259p.

والدبورگر، آدریاس، میسیونرها و مسلمانان، هیئت تبلیغی بازل در ایران از ۱۸۳۳ تا ۱۸۳۷، بازل، ۲۵۹ص.

کتاب حاضر که تاریخ انتشار ندارد ولی قطعاً در یکی دو سال اخیر چاپ شده است، یک پایان نامه دکترای تاریخ است که در سال ۱۹۸۲ در دانشگاه زوریخ (سویس) ارائه گردیده و بررسی جامع و دقیقی است از فعالیتهایی که میسیون پروتستان شهر بازل (سویس) در قفقاز و ایران داشته و رقیب و نیز ادامه‌دهنده کار هیئتهای تبلیغی بیشماری بوده که از قرن هجدهم به بعد از اروپا به مشرق‌زمین سرازیر شدند.

مؤلف برای ترسیم تاریخ فعالیت گسترده‌ای که در سالهای ۱۸۲۲-۴ آغاز شده است بایگانی میسیونهای بازلی را عمیقاً بررسی و مطالعه کرده است. این فعالیت کمی پس از تأسیس کمیته میسیونها و کمی قبل از جنگ ۸-۱۸۲۶ روس و ایران آغاز شده است. نخستین هیئت تبلیغی که در آن هنگام به ارمنستان گسیل شده بود کار خود را در ۱۸۳۲ به پایان رساند. اما بیدرنگ کشیش فاندرا که دو سال در بغداد گذرانده بود، در ۳-۱۸۳۲ در تبریز اقامت گزید و کمی بعد هاس به او پیوست. و این دودر آنجا مدرسه‌ای برای آموزش فرزندان ارمنه تأسیس کردند و پیوندهایی با مقامات اداری شهر استوار ساختند و نیز برای ایجاد ارتباط با نسطوریهای اورمیه و تبلیغ آنها دست به کوششهایی زدند. لکن در ۱۸۳۷ ناچار به توقف و تعطیل فعالیتهای خود

است، ولی، اگر می‌خواست نگرش پل ادواردز را داشته باشد، این فصل جزو فلسفه ایرانی در دوره اسلامی به حساب می‌آید. نکته دیگر درباره طرح ایزوتسو در این اثر این است که وی در عرضه کردن تاریخ تفکر اسلامی صرفاً به شرح و توصیف آراء و عقاید نپرداخته است. میدان تفکر در هر تمدنی میدانی است برای تقابل و برخورد آراء و افکار، و تمدن اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. در واقع، تاریخ تفکر فلسفی در اسلام نمودار یکی از پر جنب و جوش‌ترین و مجادله‌آمیزترین فعالیتهای نظری و عقلی است. برخورد محدثان و صوفیان با فلاسفه مشایی، برخورد متکلمان اشعری با معتزله و، در داخل مکاتب فلسفی، مسأله اصالت وجود و اصالت ماهیت گوشه‌ای از این نزاعهای فکری را نشان می‌دهد، و ایزوتسو سعی کرده است بخشی از اثر خود را به این جنبه پرتحرک اختصاص دهد.

نکته آخر، درباره نویسندگان این اثر است. بیشتر نویسندگان ژاپنی‌اند که مقالات خود را ظاهراً به زبان ژاپنی نوشته‌اند. ایزوتسو مسلماً از میزان صلاحیت علمی و تحقیقی این محققان ژاپنی مطمئن بوده است. از همه این محققان با صلاحیت‌تر، تا جایی که من اطلاع دارم، خود پروفیسور ایزوتسو است که نه تنها به زبانهای اروپایی (یونانی و لاتین و فرانسه و آلمانی و انگلیسی و روسی) تسلط دارد بلکه زبان عربی را بسیار خوب می‌داند و، علاوه بر قرآن، کتابهای فلسفی دیگری را هم (از جمله مشاعر ملاصدرا) به ژاپنی ترجمه کرده و گویا تاریخی در فلسفه اسلامی هم تألیف کرده است. (ایزوتسو فارسی هم می‌داند و فیه‌ماقیه مولوی را به ژاپنی برگردانده است). علاوه بر نویسندگان ژاپنی، ایزوتسو از نویسندگان اروپایی و مسلمان هم استفاده کرده است. این نویسندگان مقالات خود را در اصل به زبانهای انگلیسی یا فرانسه و برای همین اثر تألیف کرده‌اند.

احتمال اینکه ما بتوانیم روزی این اثر را به فارسی برگردانیم بسیار ضعیف است، مگر مقالاتی را که نویسندگان غیر ژاپنی نوشته‌اند. متأسفانه ما در زبان فارسی تاکنون نتوانسته‌ایم یک اثر معتبر درباره تاریخ تفکر اسلامی تألیف کنیم. ژاپنیها در حوزه تفکر اسلامی آن قدر محقق دارند که بخش اعظم این اثر را خودشان تألیف کنند، و تازه تفکر اسلامی برای ژاپنیها نسبتاً جنبه فرعی دارد. ولی ما هنوز نتوانسته‌ایم چیزی را که برایمان در درجه اول اهمیت است، یعنی تاریخ تفکر خودمان را، تماماً یا عمدتاً به دست خودمان بنویسیم. اگر روزی چنین همتی پیدا شود، به نظر من، نگرش و طرح ایزوتسو در این مجموعه می‌تواند الگوی آموزنده و مفیدی باشد. برای این منظور لازم است که اگر ایزوتسو خود مقدمه‌ای نوشته است به زبان فارسی برگردانده شود تا ما با نظر او در این طرح بهتر آشنا شویم.